

طراحی الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی (ضرورت پیشرفت در جاده‌ای دوطرفه)

بهراد رضوی الهاشم

مدرس دانشگاه و پژوهشگر مدیریت فرهنگی دانشگاه تهران brazavi@ut.ac.ir

چکیده

مقدمه، هدف پژوهش: امروزه مهمترین شاخص توسعه، خلاقیت‌های ذهنی و منابع انسانی پژوهشگر است. تجارت تنها مختص به کالاهای اقتصادی نیست بلکه مغزها به عنوان کالاهای استراتژیک و قابل معامله در نظر گرفته می‌شوند. صاحب نظران، مهاجرت نخبگان را یکسره منفی نمی‌دانند بلکه پیامدهای مثبت آن را نیز در نظر دارند. انتقال فرهنگ دوطرفه است به این معنی که در آن ارزش‌ها و هنجارها نیز رد و بدل می‌شوند. هدف تحقیق ارائه الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی است. مهاجرت مثبت نخبگان، کشور را در مسیر پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی قرار می‌دهد؟

روش پژوهش: تحقیق، به روش توصیفی و تحلیل ثانویه انجام شده است. نمونه‌ها براساس آمارهای ادواری و نتایج پژوهش‌های انجام شده در طی دوره زمانی (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳) جمع آوری و تحلیل شده است.

یافته‌ها: الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی تحت تاثیر چهار عامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی قرار دارد. هرچه از عامل اقتصادی به سمت عامل سیاسی حرکت می‌کنیم رانش نخبگان شدت یافته و کشش کمتر است. هرچه از عامل سیاسی به سمت عامل اجتماعی حرکت می‌کنیم، کشش مثبت و امکان بازگشت نخبگان علمی به کشور بیشتر است.

نتیجه‌گیری: با مهاجرت مثبت نخبگان علمی، نیروی متخصص از نقاط فراوان و ارزان به نقاط کمیاب و گران انتقال می‌یابد تا استفاده بهتر و کاراتری از آن بعمل آید. این امر به افزایش تولید جهانی و پیشرفت دانش فنی کمک می‌کند. بعد از اندک زمانی تکنولوژی به سوی کشورهای مبدأ مهاجران سرایت کرده و با تأخیر اندکی آن‌ها را نیز منتفع خواهد کرد. نگرش‌ها در خصوص مهاجرت نخبگان (فرار بدون بازگشت، انتقال مغزها و انتقال سرمایه یک طرفه) می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب به سان جاده ای دو طرفه درآید که کشورهای مهاجر فرست نیز از نتایج آن منتفع گردند.

واژگان کلیدی: مهاجرت، نخبگان علمی، مبادله فرهنگی، اشاعه فرهنگ، مهاجریذیری

مقدمه

علمی نخست به عوامل اقتصادی، سپس با عوامل اجتماعی، فرهنگی و سیاسی تبیین شده است (صالحی امیری، ۱۳۸۸).

بنابراین مهمترین شاخص توسعه، خلاقیت‌های ذهنی و نیروی انسانی پژوهشگر است و جایگاه شاخص‌های کمی چون تولید ناخالص ملی را گرفته است. در قرن بیست و یکم، تجارت تنها مختص به کالاهای اقتصادی نیست بلکه مغزها به عنوان یک کالای استراتژیک و قابل معامله در نظر گرفته می‌شوند. برخی صاحب نظران، مهاجرت نخبگان را یکسره منفی نمی‌دانند بلکه پیامدهای مثبت آن را نیز در نظر دارند. طرفداران این دیدگاه معتقدند که مهاجرت، کشور را در روند پیشرفت جهانی قرار می‌دهد. ظهور شخصیت‌های علمی ایرانی در کشورهای دیگر مایه آبروی کشور تلقی می‌شود و موجب پدید آمدن نوعی بازار بین‌المللی برای مهارت‌های تخصصی ایرانیان است. این انتقال فرهنگ دوطرفه است به این معنی که در آن ارزش‌ها و هنجارها رد و بدل می‌شوند. بنابراین سؤال اساسی تحقیق این است که الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی چیست؟ مهاجرت نخبگان چگونه می‌تواند کشور را در مسیر پیشرفت علمی، فرهنگی و اقتصادی قرار دهد؟

رویکردهای نظری

رویکردهای نظری در زمینه مهاجرت نخبگان علمی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و جهان‌گرا مورد اشاره قرار گرفته‌اند. هر یک از نظریات مرتبط در ارتباط متقابل با یکدیگر و در قالب رویکردهای مطروحه ارائه شده‌اند:

سرمایه انسانی، همواره نقش مهمی در فرآیند پیشرفت جوامع داشته است. جوامع صنعتی، توسعه اقتصادی و پیشرفت فناوری را مرهون سرمایه‌های انسانی می‌داند. نیروی انسانی متخصص، موتور محرکه توسعه پایدار محسوب می‌شود و از دست دادن آنها به معنای از دست دادن سرمایه‌های اصلی کشور است. اغلب کشورها، منابع ارزشمند خود را در تربیت نیروی انسانی کارآمد سرمایه‌گذاری کرده‌اند. ایران نیز از جمله کشورهایی است که در تربیت نیروی انسانی، منابع فراوانی را هزینه می‌کند. اما درست هنگامی که کشور باید از سرمایه‌گذاری‌های انجام شده بهره‌مند شود و از آن در رشد اقتصادی و کاهش شکاف فناوری تکنولوژیکی استفاده کند با حرکتی در جهت انتقال سرمایه انسانی خود از جنوب به شمال مواجه می‌گردد.

از مهاجرت نخبگان تعبیر گوناگونی به عمل آمده است: « فرار مغزها، شکار مغزها، سرقت استعدادها، و قاپچاق سلول‌های خاکستری» (Johnson, et.al, 1998)، (Saxenian, et.al, 2002) به نقل از صالحی عمران، (۱۳۸۵: ۵۸). بعلاوه یونسکو این پدیده را «مهاجرت صلاحیت‌ها» نامیده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۳).

در سال‌های اخیر، مهاجرت نخبگان علمی به مسأله نگران‌کننده‌ای بدل شده است. براساس گزارش صندوق بین‌المللی پول، ایران در میان ۷۲ کشور در حال توسعه رتبه سوم مهاجرت مغزها را به خود اختصاص داده است (UNDP, 2013). نتایج پژوهش آراسته (۱۳۸۰) عواملی چون فرصت‌های شغلی، خانوادگی و شرایط سیاسی-اجتماعی را در مهاجرت اعضای هیات علمی دخیل دانسته‌اند. عوامل اصلی مهاجرت نخبگان

جدول ۱: رویکردهای سه گانه تبیین مهاجرت نخبگان علمی

رویکرد اقتصادی	<ul style="list-style-type: none"> از دیدگاه آدام اسمیت (تعادل نیروی کار و سرمایه): مهاجرت تابع قانون عرضه و تقاضاست. موجب رشد اقتصادی دو منطقه شده، وسیله ای برای بهبود وضع اشتغال است. تفاوت دستمزدها بین دو کشور مبدأ و مقصد، سبب دو جریان عمده و ایجاد تعادل بین المللی می‌شود: ۱. نیروی کار ماهر از کشورهای با دستمزد پایین به کشورهای با دستمزد بالا جریان پیدا می‌کند؛ ۲. سرمایه از کشورهای با دستمزد بالا به کشورهای با دستمزد پایین سرازیر می‌شود (Jennissen, 2003, 17). از دیدگاه تئوری باز توزیع نیروی کار؛ (ساسناد (۱۹۶۲)، تودارو (۱۹۷۶)، مهاجرت‌های داخلی و بین المللی، مکانیزی برای باز توزیع نیروی کار است (Massy & et.al, 1998). این نظر برای تبیین جریان مهاجرت به کار رفته است (Barent, 2000, 6). تئوری بازار دوگانه: مهاجرت بین المللی را ناشی از تقاضای درونی نیروی کار در جوامع صنعتی نوین می‌داند. پیور از مدافعان این نظریه استدلال می‌کند که مهاجرت به وسیله عامل فشار موجود در کشورهای فرستنده نیست بلکه عوامل کششی موجود در کشورهای پذیرنده (نیازهای گریزناپذیر به نیروی کار) موجد آن است (Jennissen, 2003, 19). مهاجرت نتیجه نابرابری در توزیع ثروت و قدرت می‌باشد. مهاجرت تلاشی در جهت ایجاد تعادل در برابر نابرابری نهادینه شده است و پدیده‌ای اقتصادی است.
رویکرد اجتماعی	<ul style="list-style-type: none"> قضیه موفقیت: هرچه کنش خاصی با پاداش بیشتری روبرو شود، احتمال این که شخص آن کنش را تکرار کند بیشتر خواهد بود. قضیه عقلانیت: شخص به هنگام روبرو شدن با کنش‌های دوشقی، شقی را انتخاب خواهد کرد که حاصل ضرب ارزش نتیجه آن گزینه و احتمال دستیابی به آن نتیجه را در آن لحظه بزرگتر ارزیابی کند. کنشگرانی که مطابق با قضیه عقلانیت عمل می‌کنند، سودشان بیشتر است (Homans, 1974, 43). ساز و کارهایی که بین ساختارهای اجتماعی پیچیده میانجیگری می‌کنند، هنجارها و ارزش‌هایی هستند که در درون جامعه وجود دارند: ارزشها و هنجارهای مورد قبول، واسطه‌های زندگی اجتماعی و پیوندهای واسط بین تراکنش اجتماعی عمل می‌کنند. این هنجارها و ارزش‌ها مبادله اجتماعی را امکان پذیر می‌سازند و بر فرآیندهای تمایز و یکپارچگی اجتماعی و تحول و سازماندهی اجتماعی حکم می‌رانند (Blave, 1964, 255). قدرت یک شخص بر روی شخص دیگر در یک رابطه مبادله‌ای، در واقع، کارکرد وارونه‌ای از وابستگی آن شخص به طرف دیگر است. وابستگی و قدرت نابرابر به عدم توازن در روابط منجر می‌شود، اما این وضعیت با گذشت زمان به سوی یک رابطه قدرت-وابستگی متوازن تر حرکت می‌کند (Emerson, 1998, 83). آزادی در انتخاب عمل و رفتار، از انگیزه‌های شکل‌گیری تصمیم به مهاجرت است. قوانین و مقررات تسهیل‌کننده روابط اجتماعی، مسئولیت‌های ناشی از وظایف ارجاع‌شده در چارچوب مدیریت‌های سطوح مختلف و دیگر مکانیزم‌های بازدارنده و مشوق، نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین مهاجرت نخبگان علمی دارند (سیدمیرزایی، ۱۳۸۳: ۸۸).
رویکرد جهان‌گرا	<ul style="list-style-type: none"> والرشتاین سرمایه‌داری تاریخی را سیستمی تعریف می‌کند که انباشت بی‌انتهای سرمایه، هدف و غایت اقتصادی است و این سیاست اقتصادی به مبادله فرهنگی بین کشورهای مرکز و پیرامون می‌انجامد (Peacock & Hover, 1998, 83). مهاجرت نتیجه تأثیر و عمل بازار جهانی روی سرمایه انسانی و نیروی فکری است. سرمایه انسانی از موقعیت شغلی کم درآمد یا از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت مشاغل پردرآمد در مناطق جغرافیایی مناسب‌تر انتقال می‌یابد. جریانی که دارای سود دوجانبه برای کشور فرستنده و گیرنده است (فرجادی، ۱۳۷۰: ۲). مهاجرت برای جامعه جهانی مفید است. همچنانکه تجارت آزاد کالا و خدمات، جهانی شدن، آزادسازی و خصوصی‌سازی برای توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی ملل مفید بوده‌اند، مهاجرت نخبگان باعث می‌شود نیروی متخصص از نقاطی که ارزان و فراوان است به نقاطی که کمیاب و گران بوده و می‌توان از آن استفاده بهتر و کاراتری بعمل آورد، منتقل شده و به افزایش تولید جهانی و پیشرفت دانش فنی کمک کند (Olsen, 2003). با منتفع شدن کشورهای مقصد از نیروی متخصص مهاجر، بعد از اندک زمانی تکنولوژی به سوی کشورهای مبدأ مهاجران سرایت کرده و با تأخیر اندکی آن‌ها را نیز منتفع خواهد کرد. این دیدگاه متوجه تقاضای مؤثر اقتصادی (تقاضای جهانی برای نیروی انسانی) است و جامعه جهانی را به صورت یک کل مورد ملاحظه قرار می‌دهد.

پیشینه پژوهش

جدول ۲: نتایج برخی مطالعات و پژوهش‌های پیشین

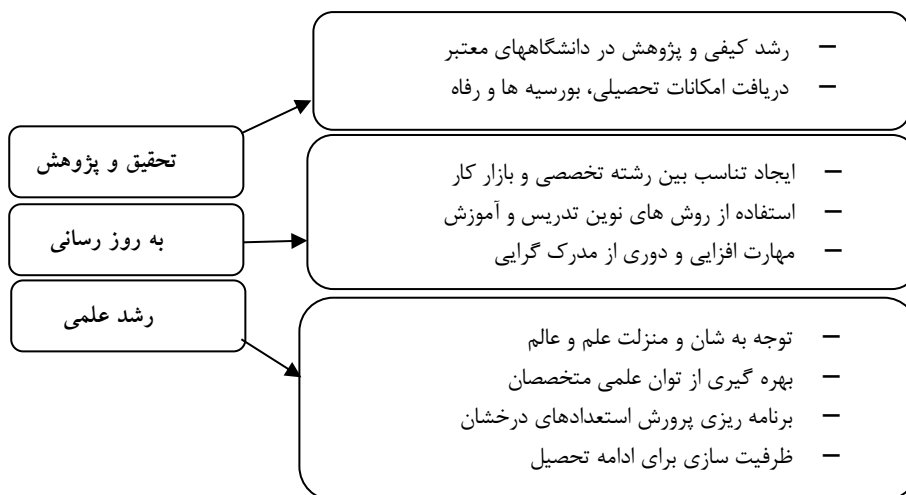
با استفاده از داده‌های (۱۹۶۶-۱۹۶۲) که توسط کشورهای مبدأ و مقصد گردآوری شده بود اثرات، علت و اقدامات پیش‌گیرانه را بررسی کرد. وی اعتقاد داشت راه حل مسأله فرار مغزها سرعت بخشیدن به رشد اقتصادی در کشورهای مبدأ است (Torbat, 2008).	واتانیب (۱۹۷۲)
وی مدل‌های تئوریک ساخت تصمیم در مهاجرت نظیر مدل جاذبه، مدل سرمایه انسانی، فرضیه درآمد مورد انتظار، شبکه اطلاعات و برگشت مهاجران را مورد بررسی قرار داد (Croger, 2001, 5).	کالاپ (۱۹۸۸)
گونه‌ای نوع‌شناختی از مهاجرت انجام داده که بین مهاجرت محافظه‌کارانه (که مردم برای حفظ سلیقه‌های زندگی خودشان حرکت می‌کنند) و مهاجرت‌های خلاقانه (که افراد به خاطر تغییر سلیقه زندگی‌شان حرکت می‌کنند) تفاوت قائل می‌شود (Backwell, 1996, 20).	پترسون (۱۹۹۲)
فرار مغزها یا مهاجرت سرمایه انسانی، مهاجرت گسترده از افرادی است که دارای تخصص و دانش صنعتی هستند. که معمولاً بخاطر تضاد، فقدان فرصت‌های شغلی، ناپایداری‌های سیاسی و خطرات جانی رخ می‌دهد (Lin & Vang, 2005, 153).	لین ونگ (۲۰۰۵)
بر اساس این گزارش، ایران رتبه اول را در آمار مهاجرت نخبگان از میان ۹۱ کشور در حال توسعه کسب کرده است. سالانه حدود ۱۸۰ هزار ایرانی تحصیل کرده به امید زندگی و یافتن موقعیت‌های شغلی بهتر از کشور خارج می‌شوند (سالانه ۵۰ میلیارد دلار خروج ارز از کشور). هم‌اکنون بیش از ۲۵۰ هزار مهندس و پزشک ایرانی و بیش از ۱۷۰ هزار ایرانی با تحصیلات عالی در آمریکا زندگی می‌کنند و طبق آمار رسمی اداره گذرنامه، در سال ۸۸ روزانه ۲/۳ نفر با مدرک دکترا، ۱۵ نفر با مدرک کارشناسی ارشد، و ۵۴۷۵ نفر با مدرک کارشناسی از کشور مهاجرت کرده‌اند (Torbat, 2008, 281).	گزارش صندوق بین‌المللی پول (۲۰۰۸)
عواملی چون عدم توجه به ارزش فعالیت‌های علمی (۹۲ درصد)، نبود تسهیلات لازم برای پژوهش (۸۸ درصد)، پایین بودن حقوق و دستمزد (۸۱ درصد) و احساس وجود تبعیض و نابرابری (۶۸ درصد) عوامل رانشی در مهاجرت نخبگان علمی هستند. بعلاوه امکانات مادی و رفاهی بهتر برای زندگی (۸۸ درصد)، ارتقای رشد علمی و حرفه‌ای (۸۷ درصد)، وجود فرصت‌های شغلی بهتر (۸۳ درصد)، آسایش روانی و اجتماعی بهتر برای خود و خانواده (۷۷ درصد)، علاقه به زندگی در یک جامعه بدون احساس تبعیض (۶۸ درصد) و نهایتاً ارتباط بهتر با نیازهای جامعه خارجی از عوامل کششی مهاجرت قلمداد شده‌اند.	صالحی عمران ۱۳۸۵

روش‌شناسی تحقیق

تحقیق، به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است. نمونه‌ها براساس آمارهای ادواری و نتایج هشت پژوهش انجام شده پیرامون مهاجرت نخبگان علمی در بازه زمانی (۱۳۸۵ تا ۱۳۹۳) جمع‌آوری و تحلیل شده است. همچنین از گزارش‌های توسعه انسانی سازمانهای بین‌المللی در تحلیل کیفی یافته‌ها و تحلیل ثانویه استفاده شده است.

مهاجرت نخبگان، پدیده‌ای جهانی

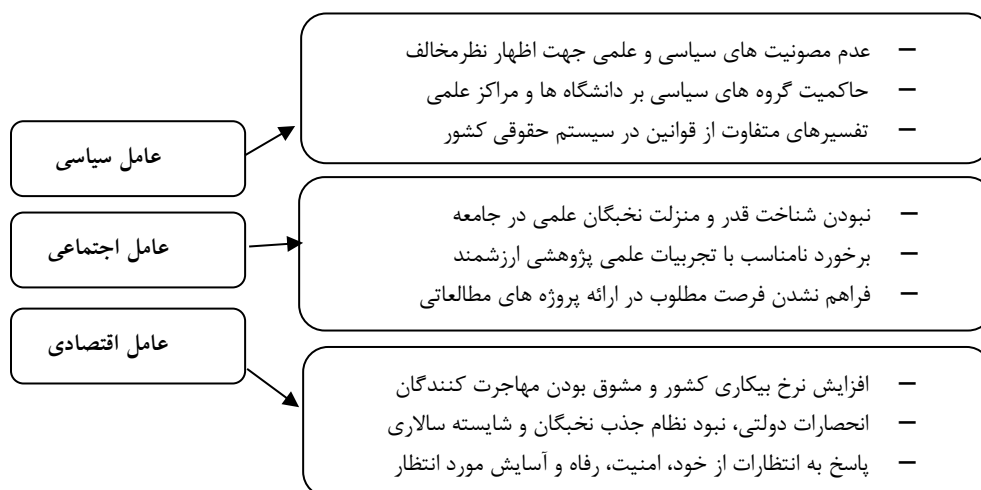
امروزه مهاجرت نخبگان علمی نه تنها کشورهای درحال توسعه بلکه دامنگیر جوامع توسعه‌یافته نیز گردیده است. مهاجرت متخصصان از اروپا به آمریکا نیز دارای شتابی معنادار است. در سال‌های اخیر پنج تن از برندگان جایزه نوبل از کانادا به آمریکا رفته‌اند. مهاجرت متخصصان کانادایی در رشته‌هایی چون بیوتکنولوژی و مخابرات در سالهای اخیر شتاب گرفته است. کشورهای توسعه‌یافته کمبود متخصصان را با جایگزین کردن مغزهایی از دیگر کشورها جبران می‌کنند. امروزه پدیده جهانی شدن، گسترش دانش و



شکل ۱: عوامل کششی نخبگان علمی (پتانسیل دو سویه)

جذب نیروی کار موفق بوده‌اند. اما در مقام مقایسه کمتر اروپا را انتخاب کرده‌اند. به‌رغم تمام تلاش‌ها برای جذب نیروی کار ماهر به اروپا، تعداد مهاجران نسبت به آمریکا کمتر است (Straubaar, 2000, 8). در ایران، پدیده مهاجرت مغزها، از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد. طی سه دهه گذشته تحقیقاتی در این زمینه صورت گرفته است (ارشاد ۱۳۸۰). نتایج حاصله بر تاثیر عوامل کششی و رانشی در شکل‌گیری مهاجرت نخبگان علمی تاکید کرده‌اند (چلبی، ۱۳۸۳: ۱۷). از یک سو؛

تجارت، تکنولوژی، صنعت و گسترش شبکه ارتباطات، انسانها را به یکدیگر مرتبط ساخته است؛ از این‌رو هویت انسان مدرن، برپایه قومیت، طبقه یا دین تعیین نمی‌شود، بلکه هویت جهانی جایگزین آن شده است. این دیدگاه بر این باور است که در عصر ارتباطات، مغزها و صاحبان آنها، میراث بشری و شهروندان جهانی هستند (کاظمی، ۱۳۸۳: ۸۵). آمارهای جهانی حاکی است که ۵۴/۳ درصد از کل مهاجران از کشورهای در حال توسعه به آمریکا مهاجرت می‌کنند. دیگر کشورهای عضو OECD نیز در



شکل ۲: عوامل رانشی نخبگان علمی (یک سویه)

شاخص‌هایی برای تقویت ارتباطات در الگوی دوسویه مطرح شده‌اند. نگاه تعاملی^۳ به مهاجرت (بهره‌گیری از تجارب دوسویه)، جمع‌زدایی^۴ (تسهیل ارتباطات نخبگان داخل و خارج)، ظرفیت‌سازی^۵ (رقابت افزایی در قابلیت‌ها و توانمندی‌ها)، تمرکززدایی^۶ (کنش متقابل)، انعطاف‌پذیری^۷ (ورود به شهر اطلاعات) و ناهمزمانی^۸ (تغییرات فناوری) شاخص‌هایی هستند که در ایجاد الگوی دوسویه ارتباطات نخبگان در جوامع مبدأ و مقصد کاربرد دارند (Stark, 2002). هریک از این شاخص‌ها؛ در ابعاد چهارگانه اقتصادی (A)، اجتماعی (B) و فرهنگی (C)، سیاسی (D)، مساله‌یابی شده‌اند. این ابعاد از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین بعد الگوسازی شده و در هریک از آنها، مسائل محوری الگوی مهاجرت قرار دارند. حل این مساله‌ها، نیازمند راهبردهای چندگانه در ابعاد گوناگون است.

نخبگان علمی بدلیل کشش در کشورهای پذیرنده مهاجرت می‌کنند. عواملی چون تحقیق و پژوهش، رشد علمی و به روز کردن اطلاعات علمی در زمره عوامل کششی مهاجرت محسوب می‌شوند. از سوی دیگر؛ عوامل رانشی چون عامل سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در راندن نخبگان اثرگذار بوده‌اند. عوامل کششی دارای پتانسیل دوسویه است و امکان بازگشت آثار مثبت مهاجرت وجود دارد و برعکس عوامل رانشی یک سویه بوده و امکان بازگشت نخبگان را به حداقل می‌رساند و دارای اثرگذاری منفی است.

طراحی الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی

علیرغم آنکه مهاجرت بدلیل عوامل رانشی، روندی یک سویه و بی‌بازگشت می‌نماید، لیکن بدلیل عوامل کششی می‌تواند به الگوی دوسویه تبدیل و آثار مثبت آن برای هر دو جامعه نمایان گردد. در این میان،

جدول ۳: ابعاد چهارگانه الگوی دوسویه مهاجرت نخبگان علمی

ابعاد	مساله‌ها و محورها	راهبردها
A اقتصادی	(۱) جذب سرمایه ایرانیان نخبه و خارج از کشور، (۲) تأمین ساخت الگوی مصرفی ایرانیان مهاجر، (۳) جذب توریست از ایرانیان مهاجرت کرده	(۱) عرضه سهام شرکتهای بزرگ مانند نفت و گاز (۲) اختیار گرفتن بازار ایرانیان مهاجر و ارائه کیفیت (۳) سود اقتصادی و اشتغال زایی رونق کسب و کار
B اجتماعی	(۱) مساله ساز شدن برخی از قوانین و سیاست‌ها (۲) اندیشه بازگشت، جداسازی از کانونهای علمی (۳) نادرستی تفکر دور شدن از منبع تولید علم	(۱) اصلاح روندها و رویه‌های قانونی مانند نظام وظیفه (۲) قدرت مهاجر به محل کار و امکانات او بستگی دارد. (۳) انتقال دانش روز ایرانیان مهاجر نه بازگشت فیزیکی
C فرهنگی	(۱) نیازمندی به اطلاعات اقتصادی و علمی روز (۲) تغییر نگرش دوسویه در بین همه ایرانیان (۳) لزوم ایجاد سفیر فرهنگی و سیاسی از ایران (۴) ایرانی خود را متعلق به ایران می‌داند (۵) مفهوم سازی تخصص ایرانیان در مراکز علمی	(۱) تعامل راه رسیدن به این اطلاعات است. (۲) استحکام پیوندهای دوستی و مودت بین افراد. (۳) هویت و شخصیت مستقل ایرانیان مهاجر (۴) به خدمت گرفتن توان مادی و معنوی ایرانی (۵) لزوم ارتباط ارگانیک معلومات دهنده و گیرنده
D سیاسی	(۱) تداعی خاطرات بد گذشته در ذهن ایرانی (۲) بستر مناسب جهت مشارکت ایرانیان مهاجر در امور علمی و فنی و مشاوره با متخصصان (۳) احساس عدم مصونیت در برابر اظهارنظرها.	(۱) اصلاح روش برخورد نمایندگان خارج ایرانیان (۲) ارتباط میان نهادهای خارج از کشور با نهادهای تخصصی داخل ایران، نهادهای غیر دولتی. (۳) احترام، و مصونیت در اظهارنظرهای ناهمسو.

تعلق به جامعه و هم‌افزایی دانش و مهارت و به خدمت گرفتن توان مادی و معنوی در داخل کشور می‌گردد.

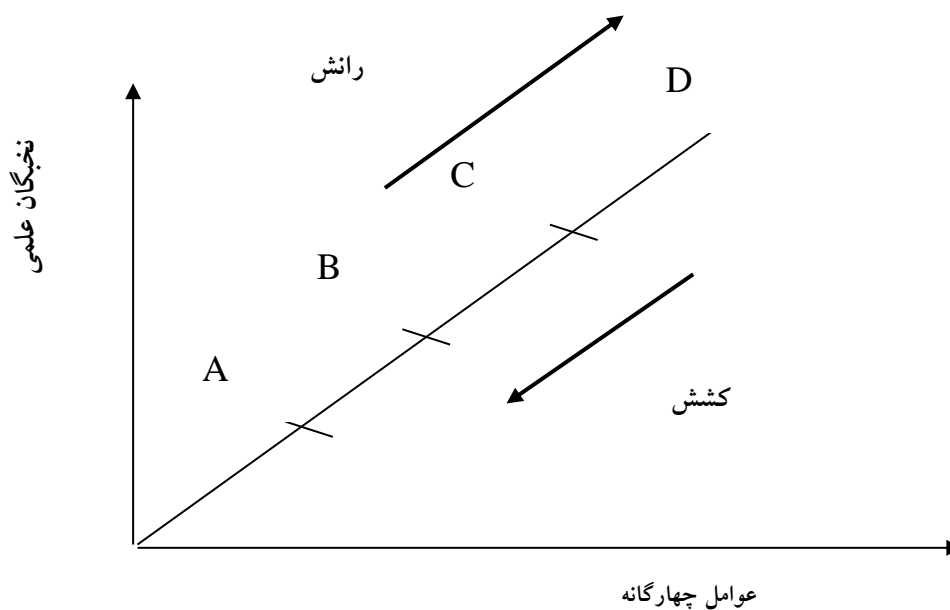
• در بعد سیاسی (D): اصلاح برخوردهای نمایندگی‌های سیاسی ایران با نخبگان، تقویت ارتباط میان نهادهای غیر دولتی، ارائه مشوق‌های مشارکتی در تصمیم‌سازی‌ها، رویکرد فرایندی و نتایج محور به فعالیت‌هاست.

به این ترتیب زمانی که الگوی مهاجرت در مراحل ساده قرار دارد (A/B). امکان تبدیل آن به ارتباطات دوسویه و بازگشت نتایج مثبت به کشور وجود دارد. زمانی که الگو به سمت ابعاد فرهنگی و سیاسی حرکت می‌کند (C/D) نتایج منفی مهاجرت بیشتر آشکار می‌گردد که عمدتاً روندی یک سویه و غیر قابل بازگشت خواهد بود. هنر حکمرانی مطلوب در جذب نخبگان بدون تاکید بر بازگشت فیزیکی آنها، این است که الگوی مهاجرت را در مراحل اولیه و ساده نگه دارد و از تبدیل آن به رویکرد سیاسی بپرهیزد.

• در بعد اقتصادی (A): راهبردهایی چون: عرضه سهام شرکت‌های بزرگ به نخبگان داخل و مقیم خارج، ضمن ایجاد تعامل شبکه‌ای بین نخبگان، شکل‌گیری بازار خارجی، کیفیت بخشی و ایجاد رقابت در تولید، اشتغال، رونق کسب و کار و ایجاد سود اقتصادی برای هر دو طرف، موجب مزایای اقتصادی برای نخبگان و تامین بخشی از بودجه سالانه برای کشور را بدنبال دارد.

• در بعد اجتماعی (B): احترام به هویت ایرانی نخبگان؛ اصلاح روندهای قانونی و تسهیل سیاست‌ها، اولویت دادن به خروجی فعالیت‌ها، انتقال دانش روز، جمع‌زدایی، تغییر نگرش نسبت به بازگشت فیزیکی نخبگان و تعلق اجتماعی است که احساس منزلت اجتماعی و بهره‌گیری از تخصص آنها را بدنبال دارد.

• در بعد فرهنگی (C): استحکام پیوندها، هویت و شخصیت ایرانی، ارتباط ارگانیک بین نخبگان، ایجاد رقابت در قابلیت‌ها و توانمندی‌های نخبگان داخل و مقیم خارج، موجب احساس هویت و



شکل ۳: الگوی دوسویه کشش و رانس نخبگان علمی

کار و اشتغال، انتقال دانش تجاری کشور و توزیع آن در جامعه.

(۴) مزایای اقتصادی: ایجاد سود اقتصادی، اشتغال زایی و رونق کسب و کار در داخل کشور، سرمایه گذاری نخبگان در شرکت‌های بزرگ داخلی (در قالب عرضه سهام)، کیفیت بخشی به تولیدات ایرانی، کمک به روند رقابت، فروش و بازاریابی تولیدات، در اختیار گرفتن بازار ایرانیان مهاجر توسط تولیدکنندگان داخلی.

(۵) مزایای اجتماعی، فرهنگی: انتقال دانش روز به داخل، احساس منزلت اهل علم، تبادل نظر و اندیشه، استحکام پیوندهای دینی و ملی، هویت بخشی به شخصیت ایرانی، ارتباط ارگانیک بین مبدا و مقصد.

(۶) مزایای سیاسی: تبدیل نخبگان به سفیران فرهنگی، ایجاد احساس مصونیت در برابر اظهارنظرهای ناهمسو، پاسداری از منافع ملی، بسترسازی جهت مشارکت نخبگان مهاجر در امور فنی سیاسی، مذاکرات و ...

پیامدهای منفی:

(۱) افت ثروت ملی: انتقال سرمایه انسانی متخصص به کشورهای دیگر، عقیم ماندن هزینه تعلیم و تربیت منابع انسانی، انتقال نیروی ماهر و تحصیل کرده به کشورهای احتمالا متخاصم و تهدید کننده منافع ملی.

(۲) انتقال معکوس تکنولوژی: صدور سرمایه انسانی به جوامع پیشرفته، تداوم بخشیدن به رشد اقتصادی کشورهای پیشرفته، عدم تناسب فایده و هزینه‌ها، اثرات زیانبار بر پیشرفت علمی و تکنولوژی کشور.

(۳) افت چرخه توسعه: ورود افراد ناکارآمد به صحنه سیاسی- اجتماعی، میدان‌داری عناصر

براساس الگو، مهاجرت نخبگان علمی تحت تاثیر چهار عامل اقتصادی (A)، اجتماعی (B)، فرهنگی (C) و سیاسی (D) قرار دارد. هرچه از عامل A به سمت عامل D حرکت کنیم رانش نخبگان شدت می‌گیرد و کشش کمتر خواهد بود. به عبارت دیگر هرچه از عوامل اقتصادی به سمت عوامل سیاسی حرکت کنیم امکان بازگشت نخبگان کمتر است. برعکس هرچه از عامل D به سمت عامل A حرکت کنیم، کشش بیشتر شده و امکان بازگشت نخبگان بیشتر خواهد بود. روند مطلوب آن است که مهاجرت نخبگان با عوامل اقتصادی و حداکثر اجتماعی تبیین شود و عبور آن از سطح فرهنگی به سیاسی، روند انعطاف ناپذیری در منافع متعارض حکومت‌ها و گروه‌های نخبگان را تقویت می‌کند که در درازمدت آثار منفی زیادی دارد.

پیامدهای مهاجرت مغزها در ایران

مهمترین پیامدهای مثبت و منفی مهاجرت نخبگان علمی در ایران به شرح زیرند.

پیامدهای مثبت:

(۱) رشد علم: مهاجرت نخبگان علمی موجب ظرفیت سازی جهت تحصیل موثر استعدادهای درخشان، بهره‌گیری از توان علمی به روز متخصصان جهانی، انتقال پیشرفت‌های علمی به کشور و ایجاد پل‌های تبادل دانش، مهارت و تکنولوژی میان کشورهای توسعه یافته و جامعه ایرانی خواهد شد.

(۲) رشد پژوهش: پژوهش کاربردی، ایجاد فرهنگ پژوهشی در دانشگاه‌ها، تغییر رویکرد از مقاله محوری به تولید مهارت در سیستم‌های ارتقاء، تبدیل پژوهش بعنوان پایه و جوهره آموزش‌های آکادمیک.

(۳) به روز رسانی دانش: بهره‌گیری از روش‌های نوین آموزش و پژوهش، مهارت محوری و مهارت افزایی، ایجاد تناسب بین تخصص نخبگان و بازار

مهاجرت نتیجه تأثیر و عمل بازار جهانی روی سرمایه انسانی و نیروی فکری است. سرمایه انسانی از مناطق جغرافیایی دارای توانمندی پایین به سمت مشاغل پردرآمد در مناطق جغرافیایی مناسب‌تر انتقال می‌یابد. در این دیدگاه وجود پدیده مهاجرت مغزها برای جامعه جهانی مفید ارزیابی شده است. طرفداران این دیدگاه معتقدند همچنانکه تجارت آزاد کالا و خدمات، جهانی شدن، آزادسازی، خصوصی سازی، لیبرالیسم اقتصادی و ... برای توسعه اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ملل مفید بوده‌اند، مهاجرت نخبگان نیز باعث می‌شود نیروی متخصص از نقاط فراوان و ارزان به نقاط کمیاب و گران انتقال یابد تا استفاده بهتر و کاراتری از آن بعمل آید. این امر به افزایش تولید جهانی و پیشرفت دانش فنی کمک میکند. زیرا با منتفع شدن کشورهای مقصد از نیروی متخصص مهاجر، بعد از اندک زمانی تکنولوژی به سوی کشورهای مبدأ مهاجران سرایت کرده و با تأخیر اندکی آن‌ها را نیز منتفع خواهد کرد.

موضع گیری‌های رایج در خصوص مهاجرت نخبگان (فرار بدون بازگشت، انتقال مغزها و انتقال سرمایه یک طرفه) می‌تواند با برنامه‌ریزی مناسب به سان جاده ای دو طرفه درآید. عوامل و انگیزه‌هایی که متخصصان را بویژه در سه دهه اخیر به خارج گسیل داشته تنها عوامل و انگیزه‌های مادی یا شغلی نبوده، بلکه عوامل دیگری نظیر عوامل اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و ایدئولوژیک است که توجه لازم به آنها نشده است.

پیشنهادها

- حفظ ثبات و آرامش در دانشگاهها و پرهیز از ورود به مجادلات سیاسی در فضاهای علمی؛
- تغییر دیدگاه از مدرک گرایی صرف به سمت تخصص گرایی، مهارت گرایی و تجربه گرایی؛

غیرمتخصص، توقف در چرخه توسعه پایدار و کاهش اثرگذاری دولت بر توسعه جامعه.

۴) کاهش رشد اقتصادی: رشد فقر، تهی شدن مراکز تولید و اقتصاد از سرمایه انسانی ماهر، تقویت انحصارات دولتی و رشد فساد اقتصادی، ایجاد رانت‌های اقتصادی افراد بانفوذ و ...

۵) آسیب اجتماعی، فرهنگی: آسیب دیدن منزلت‌ها، فقدان پاسخ گویی به انتظارات، از دست رفتن فرصت‌های پیشرفت، کاربرد نشدن علوم، منزوی شدن کشور، عدم احساس تعلق نخبگان به جامعه، آسیب پذیری هویت و شخصیت ایرانی در خارج از کشور، ناکامی حکومت در تامین انتظارات ملی و اجتماعی.

۶) آسیب سیاسی: دامن زدن به ایران هراسی، تشدید تبلیغات بر علیه منافع سیاسی و ملی، خروج سرمایه‌های ملی و خانواده‌های آنان، دامن زدن به احساس ناامنی برای سفر و سرمایه‌گذاری در ایران.

بحث و نتیجه گیری

در رویکردهای نظری، پدیده مهاجرت نخبگان، در قالب سه الگو مطرح شده است. در الگوی اقتصادی؛ مهاجرت تابع قانون عرضه و تقاضا است و نه تنها باعث رشد اقتصادی دو منطقه مهاجرپذیر و مهاجرفرست محسوب می‌گردد، بلکه می‌توان آن را وسیله ای برای بهبود وضع کار و اشتغال نیز به شمار آورد. در الگوی اجتماعی؛ مهاجرت واکنشی است بر وجود محرومیت نسبی در زندگی اجتماعی. اگر فرد نتواند وسایل حصول به اهداف اقتصادی با ارزش را در داخل سازمان اجتماعی محقق سازد، تصمیم به مهاجرت خواهد گرفت. فقدان منزلت، دموکراسی و آزادی انتخاب در حیات اجتماعی از انگیزه‌های اجتماعی در شکل‌گیری تصمیم به مهاجرت است.

الگوی جهانی‌گرا؛ مهاجرت نخبگان را به صورت جاده‌ای دو طرفه در نظر گرفته است. در این الگو،

- افزایش بودجه پژوهشی و پژوهش محوری در دانشگاهها و حمایت مالی از دانشمندان جوان؛
- کاهش کاغذ بازی در نهادهای علمی و صنعتی کشور و نهادینه سازی نظام مدیریت مشارکتی؛
- رسیدگی به وضع زندگی و رفاه دانشمندان جوان و بهینه سازی نظام مدیریت علمی دانشگاهها؛
- شایسته سالاری و نخبه گرایی در انتصاب مدیران دانشگاهی و ارتباط نهادینه بین صنعت و دانشگاه؛
- اهمیت دادن به نخبگان در هر جا که زندگی می کنند و استفاده از تخصص و مهارت و سرمایه علمی آنان؛
- ایجاد تشکل های دانشجویی و گروه های تحصیل کرده داخل و خارج و برگزاری سمینارهای تخصصی هدفمند؛
- درگیر کردن نخبگان داخل و خارج در امور علمی و کاربردی و ایجاد پیوند و تعامل میان آنها در توسعه کشور؛
- ایجاد تناسب بین رشته های تحصیلی و بازار کار و اشتغال کشور به منظور کاهش روند بیکاری فارغ التحصیلان؛
- حرکت بسمت کاهش فاصله کیفی دانشگاههای کشور از الگوهای استاندارد دانشگاههای معتبر در سطوح جهانی.
- منابع و ماخذ**
- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۳)، از فرار مغزها تا پدیده مبادله مغزها، اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۲۰۷-۲۰۸.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۶)، تحلیل تطبیقی فرار مغزها، مجله پژوهش نامه دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۴۱ و ۴۲.
- صالحی عمران، ابراهیم (۱۳۸۵)، بررسی نگرش اعضای هیات علمی به علل مهاجرت نخبگان، نامه علوم اجتماعی، ش ۲۸.
- صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۸)، مهاجرت نخبگان، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک.
- فرجادی، غلامعلی (۱۳۷۰)، فرار مغزها و اثرات آن در کشورهای جهان سوم، سمینار برنامه ریزی و توسعه.
- فولادی، محمد (۱۳۸۱)، بررسی پدیده فرار مغزها آثار و پیامدهای آن، مجله معرفت، شماره ۵۳.
- سید میرزایی، سید محمد (۱۳۸۳)، نگاهی به پدیده فرار مغزها، مجله نامه پژوهش، شماره ۹.
- شاه آبادی، ابوالفضل (۱۳۸۵)، عوامل مؤثر بر فرار مغزها (مطالعه موردی ایران)، مجله پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۹.
- شهیدزاده، حسین (۱۳۷۰)، فرار مغزها مشکل بزرگ جهان سوم، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۸-۹.
- گودرزی، محسن، فیض اربابی، اسماعیل (۱۳۷۰)، دشواری های جذب و حفظ نیروی انسانی متخصص، مجله اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۱-۱۲.
- Annual Report to Parliament on Immigration (2004) <http://www.cic.gc.ca>.
- Jennissen, Roel. 2002. "Can Economic Determinants Improve the Theoretical
- Johnson J. M. (1998) International mobility of scientists and engineers to the United State : Brain drain or brain circulation?. <http://www.nsf.gov/sbe/sri/issuebrf/sib98316.htm>
- Lien, Donald, Wang, Yan, (2005). Brain drain or brain gain: A revisit" J Econ, 18:153-163
- Massey, Douglas S., Joaquin Arango, Graeme Hugo, Ali Kouaouci, Adela Pellegrino, and J.Edward Taylor. 1998. Worlds in Motion: Understanding International Migration at the End of the Millennium. New York.
- Olsen, Henrik (2003); "Migration, Return and Development", Prepared for the Center for Development Research Study, Migration-Development Links, April 2002 [January 2003 Registration and Statistics Unit. Program Coordination UNH].
- Peacock, Walter Gillis. Greg A. Hoover. 1998. "Divergence and Convergence in International

- Development: A Decomposition Analysis of Inequality in the World System." American Sociological Review 53 (4): 838-852
- Stark. O (2002); The Economics of Brain Drain Turned of its Head, University of Vienna and University of Bonna, Center for Development Research, Paper No. 100.
- Straubaar. Thomas. 2000. International Mobility of the Highly Skilled: Brain Gain, Brain Drain or Brain Exchange. Hamburg Institute of International Economics, HWWA.
- Saxenian A. et al (2002) Local and global networking of immigrant professionals in Silicon Valley. http://www.ppic.org/content/pubs/R_502ASR.pdf
- Torbat, A.E (2002) The brain drain from Iran to the United State. Middle East
- Tamas, Kristof and Palme, Joakim, (2006). Globalizing Migration Regimes-New Challenges to Transnational Cooperation. Institute for Futures Studies, Sweden.

یادداشت‌ها

-
- ¹ *Brain Drain*
² *Dual Labor Market*
³ *interactivity*
⁴ *Decollectivism*
⁵ *Capacity*
⁶ *Decentralization*
⁷ *Flexibility*
⁸ *Asynchronous*